

## حقوق جزائی

### مقدمه

حقوق جزائی عبارت است از کسلیه قوانینی که طرز اجرای کیفر را از طرف دولت معین میکنند. این قوانین حاوی سه قسمت میباشد: اول تعیین مجازاتها. دوم تعیین مقامات و دادگاههای کیفری. سوم اصول محاکمات یعنی طریقی که از جهت کشف بزه و تعقیب و مجازات بزهکار باید پیمود.

مقام حقوق جزائی:

اصولا حقوق را از نقطه نظر طبیعت آن میتوان بدو قسمت تقسیم نمود:

حقوق خصوصی و حقوق عمومی.

حقوق خصوصی مربوط است بر روابط شخصی اشخاص بایکدیگر در صورتیکه در حقوق جزائی و قتیکه بزهی اتفاق میافتد حق مجازات نمودن بازیان دیده نیست بلکه مربوط بجامعه است اگر چه زیان دیده در موقع وقوع بزه میتواند از جهت دفع ضرر از خود دفاع کند ولی پس از احراز تقصیر و جرم مجازات او بجامعه است و زیان دیده نمیتواند از راه انتقام مبادرت به تنبیه بزهکار نماید. اختیار زیان دیده در مطالبه ضرر جزء حقوق خصوصی است ولی این اختیار هم مطلق نیست و از جهت اینکه مولود و زائیده بزه میباشد از خیلی جهات خارج از حقوق خصوصی میگردد و داخل حقوق جزائی که یکی از رشته های حقوق عمومی است میشود.

حقوق عمومی که تعیین روابط حکومت ها و ملل را میکند بدو قسمت تقسیم میشود: اول حقوق عمومی خارجی. دوم حقوق عمومی داخلی.

حقوق عمومی خارجی هنوز کامل نشده است و با وجود تأسیس دیوان عدالت بین المللی این رشته از حقوق واجد ضمانت اجرائی و دادگاهها و اصول محاکمات نیست با اینکه بین ملل همیشه روابطی وجود دارد و نقض آن روابط

باید قابل مجازات باشد. هنوز حقوق جزائی که موضوع آن تعیین کیفر برای نقض این روابط باشد وجود ندارد علت این فقدان هم از جهت آن است که در روابط بین المللی هنوز يك قدرت مطلق و عالیه که حکمفرمایی بر همه ملل داشته باشد وجود ندارد و اصل جاری در روابط بین اشخاص دایر باینکه خودشان نباید در مقام احقاق حق برآیند دیگر در روابط بین دول را بیج نبوده و از جهت فقدان يك حقوق جنائی بین المللی خودشان در مقام رفع تعدی از خود بر می آیند.

حقوق عمومی داخلی یا ملی از تشکیلات قوه عمومی و روابط اشخاص با آن بحث میکنند و چون در موقع وقوع جنایت همیشه يك رابطه حقوقی بین مقصر و جامعه ایجاد میشود باید حقوق جزائی را يك رشته از حقوق عمومی داخلی قرار داد و اصولاً حقوق عمومی داخلی به تقسیمات سه گانه زیر تقسیم میشود:

حقوق اساسی - حقوق اداری - حقوق جزائی.

ضمانت اجرائی جزائی و مدنی:

حقوق جزائی مراعات بعضی از دستور ها و اوامر حقوقی را از طرف افسراد حتمی الاجرا میسازد و برای این منظور گاه تنها در مقام تهدید بر میآید و گاه بآن تهدید جنبه تحقیق میدهد - بادر نظر گرفتن این خصیصه در حقوق جزائی بعضی معتقد شده که حقوق جزائی عبارت از آن قسمت از حقوق است که اجراء مقررات سایر قسمتهای حقوقی را تأمین میکند ولی باید متوجه بود که ضمانتهای اجرائی دیگری وجود دارد که صرفاً حقوقی بوده و فاقد جنبه جزائی میباشد.

حقوق جزائی از سه موضوع اساسی بحث میکند: اول ارتکاب بزه یعنی فعل و ترك فعلی که برخلاف اوامر قانونی باشد. دوم مجازات که برخلاف سایر ضمانتهای اجرائی توأم با قهر و جبر مستقیم است. سوم تشخیص تقصیر متهم که آیا واقعاً مقصر بوده است یا نه؟ حق مجازات از بد و پیدایش جامعه وجود داشته است ولی باید دید که آیا اولاً این حق مشروع است و در صورت مشروعیت بر چه پایه استوار است؟ و در ثانی باید فهمید این حق چگونه در جامعه پیدا شده و خصیصه آن چیست؟

## منشأ حقوق جزائی

روابط اجتماعی انسان مورد بحث علوم اجتماعی است بنا براین در علوم اجتماعی اولین چیزی که باید ملاحظه نظر واقع شود سرشت انسانی است و اولین خصیصه‌ئی که او را از سایر موجودات متمایز میسازد همانا اراده است در صورتیکه رفتار سایر موجودات مبتنی بر فطرت و تابع قوانین حتمی الاجراء است انسان واجد اراده متمایز است که او را مسئول اعمال خود قرار میدهد . نباید تصور نمود که انسان تابع قواعدی نیست زیرا انسان هم مثل سایر موجودات دستخوش قواعدی است که خواهی نخواهی او را بطرف علت غائی خلقت و مرحله تکامل سوق میدهد مابده الامتیاز این دو تابعیت این است که قوانین بر سایر موجودات تحمیل میشود در صورتیکه برای انسان اختیاری است و میتوان از آن اطاعت یا سرپیچی نماید .

در هر صورت بطور کلی میتوان گفت قانون که حاوی ارشاد و هدایت افراد است نسبت به بعضی تحمیل و نسبت به برخی پیشنهاد میگردد .

انسان در عین حالیکه الزامی بتبعیت از این قوانین ندارد بواسطه الزامات اخلاقی ناگزیر از تبعیت میباشد این الزامات را قوانین مربوط بروش انسان یا قوانین اخلاقی نامیده اند وجدان انسان او را ناگزیر میکند که اعمال اختیاری خود را در میزان سنجش گذارده و با قوانین اخلاقی و عقلی مربوط بسازد وجدان اخلاقی که در غریزی یا اکتسابی بودن آن خیلی بحث شده در انسان امروزی موجود است .

تکلیف و حق، زائیده قوانین اخلاقی و اختیار انسان در تبعیت و عدم تبعیت از آن قوانین میباشد چه آنکه انسان از جهت اختیاری که دارد مسئول است و از جهت مسئول بودن ذیحق میشود .

قدرت اجتماعی .

اگر انسان بحال مجرد زیست میکرد مسئله حق هیچوقت مورد بحث واقع نمیشد برعکس در زندگانی اجتماعی همینکه انسان بخواهد از قوانین مربوط بخود تبعیت یا استفاده کندو بمانع برخورد متمسک بندی حق بودن خود میشود .

اگرچه سابقاً این عقید رایج بود که انسان مدتی بحال مجرد زیست میکرده است ولی امروز معتقد هستند که انسان هرگز حالت مجرد کامل نداشته است البته قبل از وضع قوانین دائم و پیدایش مقامات موظف باعمال آن قوانین یعنی قبل از وجود جامعه سیاسی و اتحادیه های قرار دادی قبایل جامعه انحصار باجتماعات قبیله داشته و چندان توسعه نداشته است ولی در عین حال هرگز يك حالت مجرد کامل وجود نداشته است زیرا: انسان برای خلطه و آمیزش با یکدیگر ساخته شده است و هرگز نتوانسته است خود را از این قید برهاند. در جامعه و قتیکه اشخاص تماس با یکدیگر پیدا میکنند منافع آنها با یکدیگر اصطکاک پیدا مینماید برای اینکه اختلافات بوسیله قوه فردی فیصله نیابد باید در هر هیئت اجتماعی يك قوه عمومی باشد که عملیات و اقدامات افراد را در ضمن حمایت محدود کند بطوریکه بعملیات سایرین خلل نزنند بدون وجود يك قوه عمومی برای حل اختلاف اشخاص در موقع تصادم منافع شخصاً در مقام احقاق حق برمیآیند و موفقیت همیشه نصیب قوی ترین فره میشود این قوه عمومی باید معین کند که اراده شخصی تاچه حدی میتواند آزادانه جولان پیدا نماید و تا چه حد میتواند نفوذ در اراده سایرین کند در موقع بروز اختلافات قوه عمومی باید از هر گونه مقاومت غیر مشروع جلو گیری کرده و نظم قضائی را تأمین نماید بنابراین قوه عمومی عبارت خواهد بود از قوه منظم جمعی که در راه اجرای حق بکار میرود و اجرای حق عبارت است از تضمین شرایط زندگی اجتماعی بوسیله قوه قهری حکومت. فرنگی

حدود مداخله قوه اجتماعی در مباح علوم انسانی  
 باید تمیزی بین اخلاق و حق قائل شد اخلاق عبارت است از کلیه قواعدی که عملیات و اقدامات انسانی را پیش بینی نموده و بعضی از آنها را نهی و برخی دیگر را تجویز مینماید حدود اوامر و منهیات اخلاق وسیع تر از حقوق موضوعه است. اخلاق حاوی سه دسته قواعد است: اول اخلاق اجتماعی که از تکالیف اشخاص با یکدیگر و با جامعه بحث میکنند دوم اخلاق شخصی که از تکالیف انسان نسبت بخودش بحث میکنند سوم اخلاق مذهبی که روابط انسان را با خدای یکتا معین میکند